

برنا- شبکه ۴ سیما با برنامه «سفر به بهشت اندیشه» که در ۱۰ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای و در قالب ترکیبی تهیه شده است و شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۲ از این شبکه پخش می‌شود، به افکار و اندیشه‌های مولانا سفر می‌کند. مهدی زینلی، تهیه‌کننده و کارگردان این برنامه گفت: «در این برنامه در کنار مقبره شمس تبریزی در شهر خوی با «اسین چلبی»، فرزند جلال الدین باقر چلبی که بیست و دومین نواده مولاناست، گفت و گو کرده‌ایم و صحت‌سندی که نشان می‌دهد مولوی پارسی زبان است، با حضور ایشان بازگویی شود».

ادبی

رمان جدید دولت آبادی در نمایشگاه کتاب

تازه‌ترین اثر داستانی محمود دولت‌آبادی با نام «بیرون در» منتشر و در نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌شود.

به گزارش ایسنا، در بخشی از این رمان که از سوی نشر چشمه منتشر می‌شود، می‌خوانیم: «... اما چه مدتی از زمان لازم است تا متوجه بشوی سرانجام نشانه‌ای از حیات در خلوت مکان جاری خواهد شد یا نخواهد شد؟ چنین لحظاتی زمان نمی‌ایستد، کنده می‌شود. شاید به‌طول سالیان باشد، چه می‌دانی!» همچنین این نویسنده معاصر فارسی با انتشار پیامی خطاب به هموطنان سیل‌زده با آنان ابراز همدردی کرد.

((گوژپشت نوتر دام)) در صدر کتاب‌های پر فروش پس از آتش سوزی اخیر

فردای وقوع آتش سوزی در کلیسای جامع نوتردام کتاب ویکتور هوگو با عنوان «گوژپشت نوتردام» به‌صدر

کتاب‌های پر فروش آمازون صعود کرد. به گزارش ایبنا، نسخه فرانسوی این کتاب که عنوان آن «نوتردام پاریس» است روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین در فرانسه به‌پر فروش‌ترین کتاب بدل شد و میزان فروش نسخه انگلیسی آن نیز در بخش رمان‌های تاریخی در صدر قرار گرفت. همچنین کارتون الهام گرفته از این کتاب که محصول کمپانی دیزنی است، به‌فهرست ۱۰ فیلم پر فروش صعود کرد. وقتی ویکتور هوگو نگارش این کتاب ۱۱ جلدی را در سال ۱۸۲۹ شروع کرد، کلیسای جامع نوتردام که آن را «بنایی باشکوه و اعجاب‌آور» توصیف می‌کرد، به دلیل بی‌توجهی در حال تخریب بود.

هنری

انتقال آثار کلیسای نوتردام به موزه لوور

مجموعه ای از آثار تاریخی و هنری به جا مانده از آتش سوزی بزرگ کلیسای نوتردام پاریس به صورت موقت

به موزه لوور انتقال یافت. به گزارش ایسنا، وزیر فرهنگ فرانسه اعلام کرد پس از آغاز آتش سوزی بزرگ در کلیسای تاریخی نوتردام، آتش‌نشانان موفق به نجات برخی آثار ارزشمند شدند. از جمله لایس قرن سیزدهمی «سنت لوئیس» پادشاه فرانسه، نقاشی‌ها و... را از ساختمان کلیسا خارج و به ساختمان شهرداری منتقل کردند. این آثار ارزشمند پس از آن، برای محافظت بیشتر و آغاز فرایند مرمت به موزه لوور پاریس منتقل شد. اهمیت این کلیسا در هویت تاریخی، ادبی و معماری گوتیک آن است که هر ساله میزبان بیش از ۱۳ میلیون گردشگر است.

خانه شاملو تخریب نمی‌شود

به گفته دبیر کمیته پیگیری خانه‌های تاریخی تهران، تا کنون در خواستی مبنی بر تخریب و نوسازی خانه احمد شاملو از سوی مالک داده نشده است. به گزارش ایسنا، سجاد عسکری که در پی انتشار خبر احتمال تخریب خانه شاملو در تماس با آید اسر کیسیان، همسر شاملو صحت و سقم این اتفاق را جویا شده است، گفت: «احمد شاملو، مادر و خواهرش مدتی کوتاه در طبقه دوم این خانه مستاجر بودند و شعر معروف «آیدا در آینه» نیز در همین خانه سروده شده و این شعر روی دیوار در آن زمان نوشته شده بود. هم اکنون وزارت نیرو مالک این بناست». عسکری همچنین با اشاره به این که خانه شاملو در فهرست آثار ملی کشور یا بناهای ارزشمند به ثبت نرسیده است، ادامه داد: «کمیته پیگیری خانه‌های تاریخی تهران پیگیر نامه نگاری اداره کل میراث فرهنگی استان تهران با شهرداری منطقه ۶ برای ارزشمند شناخته شدن این بنا خواهد بود».

■ **جهان خواستار آواز و عرفان و موسیقی ایرانی است**
استاد ناظری یک خواننده پیشرو است. او اولین بار شعر نو «می‌تراود مهتاب» نیما یوشیج را در سال ۵۶ به صورت آواز ایرانی روی صحنه برد و این کار را با شعرهای اخوان ثالث و سهراب و دیگر شاعران شعر نو ادامه داد. او با اشاره به روزهای کودکی خود که در درجه اول با موسیقی و بعد با ادبیات و صدا در هم آمیخته بود، می‌گوید: «حساسیت خاصی به ادبیات و به خصوص تلفیق شعر با موسیقی و زیبا شناختی تلفیق شعر و موسیقی دارم. موسیقی طی دوه قرن گذشته، مشکلاتی را از سر گذرانده و طبیعتا مانند ادبیات محیط بازتری نداشته است. حضور بزرگان ادبیات از یک سو از سوی دیگر، این که در ادبیات لازم نبوده جمع و گروهی با هم کار کنند و ناگهان یک نفر فردوسی می‌شود که یک آدم بشری است و برای تمام بشریت کافی است از دیگر دلایلی است که موسیقی نتوانسته همیای ادبیات مان پیش برود چرا که ادبیات مانه تنها نسبت به موسیقی مان که نسبت به شعر جهان نیز بیشتر از است. ایران کشور عشق و عرفان و ادب است. مافرهنگ، ادبیات، اصالت، عرفان و معنویت داریم که می‌توانیم به جهان بدهیم و جهانیان هم خواستارش هستند.»

■ **با استاد شجریان، معلم آواز کانون چاووش بودیم**
شهرام ناظری می‌گوید نه تنها مشهد که ایران، کشور معنویت است. او با همان لحن آمیخته به اصالت کرمانشاهی خود اضافه می‌کند: «دست ما نیست که کی و کجا چه دستگاهی بخوانیم، هر کجا حسی هست عشق و آواز خود می‌تراود.» او با اشاره به این که زمانی به همراه استاد ناصرپور و استاد شجریان، معلم آواز کانون چاووش بوده است، می‌گوید: «استادان خوبی در کانون چاووش داشتیم و از هم پاشیدن این کانون اتفاق بدی برای موسیقی بود. بعد از آن من چند سالی در دانشکده هنرهای زیبا درس دادم ولی خب محیط دانشگاه آن قدر محیط دانشجویی نبود، دانشجویها انگیزه لازم را نداشتند و حس می‌کردم آن جا را نمی‌شناسم. احساس کردم روخیه خودم هم خوب نیست و همین باعث شد تا آن جا را رها کنم. حالا طی چند سال گذشته چند شاگرد خصوصی داشتم و همین فعالیت‌های داخل و خارج از کشورم. هیچ وقت هم زمینه‌ای حاصل نشد که مراکز فرهنگی یا صداوسیما به من کمک کنند چون از من چیزهایی می‌خواستند که از من بر نمی‌آمد و به همین دلیل به تنهایی همه آثارم را ساختم.»

■ **منزل صد اوسیما بود و از خانه‌ام دور مانده‌ام**
موسیقی ایرانی برای داشتن مخاطب بین المللی باید تلاش کرد. این را شهرام ناظری که چهل و چند سال از عمرش را بی وقفه صرف احیای موسیقی و آواز ایرانی کرده است، می‌گوید. او موسیقی سنتی را شعبه کوچکی از موسیقی مقامی می‌داند و می‌گوید: «چون در کشور ما موسیقی هدایت جدی نشده و در کل برای مسائل فرهنگی و هنری، خیلی زیاد برنامه ریزی نمی‌شود، طبیعی است که این حوزه عقب بماند. به نظر من، نه برای موسیقی مقامی و قومیت‌های ایران که در حقیقت موسیقی اصیل ما که شبیه یک اقیانوس چند هزار ساله است و نه موسیقی سنتی که کوچک و در مقام مقایسه یک استخر از آن اقیانوس عظیم است و هر دو با ارزش‌اند، به طور جدی چه در داخل و چه در خارج تلاش جدی حاصل نشد که گذشته، منظم یا صد اوسیما بود. حال، از خانه‌مان دور مانده‌ایم که این هم به ضرر موسیقی، هنرمندان و اجتماع است. حال آهنگ‌های من بدون اجازه و هیچ قرار دادی پخش می‌شود و پیگیری‌هایم برای حق و حقوق خود به جایی نمی‌رسد.»

حافظ ناظری را مردم قضاوت می‌کنند

خانه امن کودکی، شهرام ناظری را با آواز، موسیقی و ادبیات هم سفره کرده است. حال، خانه او وضعی مشابه دارد و می‌توان آن را دانشگاه تخصصی موسیقی و آواز ایرانی دانست که در آن می‌توان رشد کرد و به بالندگی رسید. او درباره پسر خود حافظ ناظری و البته همه حافظ‌های ایرانی می‌گوید: «در درجه اول نسبت به نسل جدید چه پسر من و چه پسر دیگری باشد، خیلی نمی‌توان قضاوت

کرد. باید زمان بگذرد و آن‌ها امتحان خودشان را پس دهند. باید دید در چه راهی، چطور و چگونه حرکت می‌کنند. تنها چیز خوبی که حافظ داشت این بود که حداقل توانست در یکی از دانشگاه‌های آمریکا در رشته موسیقی تحصیل کند. من نمی‌توانم قضاوت کنم و بعدها باید تاریخ و مردم، نتیجه عملکرد این جوان‌ها را بدهند، چون جوانان نسل امروز مثل ما نیستند و نمی‌توان صد در صد روی‌شان حساب کرد. امکان دارد سه سال خوب جلو بروند و بعد ناگهان شروع کنند به خرابکاری. توصیه ای نمی‌توانم بکنم چون فکر نمی‌کنم توصیه هیچ کس به گوش دیگری فرورود. هر کس باژن خود و درونی که دارد جلوی رود و آدم‌هایی در این راه مانده‌نگار می‌شوند که این راه را تا آخر خوب می‌روند. ما نسل آرمان خواهی بودیم. به قول فرخی یزدی: دامن محبت را گرز خون کنی رنگین، آن وقت می‌توان گفت تو هنرمندی و این واژه برزانده‌توست. به هر حال فقط یک صدای خوب و دانستن تکنیک ردیف موسیقی برای هنرمند کافی نیست و هزار نکته باریک‌تر از مو این جاست که باید آن‌ها را رعایت کرد و خون جگر خورد تا هنرمند شد.»

خواننده‌هایمان خودشان را پیدا نکرده‌اند

صحبت از جوان‌ها که می‌شود از مشکلات امروز موسیقی می‌گوید. او تقلید در آواز راقت موسیقی امروز می‌داند و می‌گوید: «بیشتر خواننده‌های سال‌های اخیر، مقلد هستند. صدای بیشتر آن‌ها با وجود خوب بودن، به هم شبیه شده و این، بسیار خطرناک است. شبیه‌خوانی نشان می‌دهد محیط طوری بوده که آن‌ها از نظر فرهنگی، فکری و حتی موسیقایی خوب پرورش پیدا نکرده‌اند. شاید هم از طرفی گناهی نداشتند، از اوایل انقلاب بیشتر استاد‌های بزرگ که هر کدام از ستون‌های موسیقی بودند، بر اثر کهولت سن یا بیماری فوت کردند و این‌ها به نسل جدید که هیچ راهی برای خوب آموزش دیدن نداشتند، ضربه‌های زیادی زد.» او آینده موسیقی را این طور پیش‌بینی می‌کند: «من آینده خیلی خوبی را متصور نیستم. چون وقتی هدایت لازم از سوی مراکز فرهنگی اعمال نمی‌شود، هرج‌ومرج به وجود می‌آید که الان در موسیقی به وجود آمده است که به یکی از آن‌ها مانند شبیه خواندن اشاره کردم. بدتر این که این خواننده‌ها وقتی متوجه اشتباه‌شان در تقلید می‌شوند باز دوباره تقلید از شخص دیگری را شروع می‌کنند. در واقع آن‌ها، شخصیت خودشان را از نظر هنری پیدا نکرده‌اند که صاحب سبکی شوند. اصلا زیبایی آواز

ادب و هنر |



بیست و دومین نواده مولانا در تلویزیون

گفت‌وگویی یک ساعته خراسان با استاد شهرام ناظری

آثار تقلیدی در کمین موسیقی ایرانی

صدای شور انگیز و موسیقی فاخر خود کرده است، به مدت یک ساعت، به گفت‌وگو نشستیم. او روزنامه خراسان را روزنامه اصیل و استخوان داری دانست که بازگوکننده مشکلات مردم است. از اصالت گفت و از این که پشت چهره باشکوه او مادی بوده که عاشق فرهنگ و هنر ایران بوده و همچون آن شعر معروف، «دستم بگرفت و پا به پابر د»، در دنیای این روزهایش قرار داده است. او می‌گفت مردم مسئولان در نیشابور همکاری زیادی با او داشته‌اند و از این که با آواز و موسیقی فاخر ایرانی که بسیار راه گشاست آرامش و شادی را به آن‌ها هدیه داده، خوشحال است. با او که تا حدود ۱۰ روز دیگر شاهد رونمایی از آلبوم خاص و ویژه‌اش هستیم درباره مسائل مختلفی مانند اوضاع فعلی موسیقی ایرانی و جهانی شدن آن گفت‌وگو کردیم که در ادامه، آن را می‌خوانید.

ایرانی در همین صاحب سبک بودن است و باروال فعلی همه چیز به تکرار افتاده است. »

■ **در خط مقدم حرکت می‌کنیم**
ناظری گذری بر موضوع کنسرت های خیابانی هم دارد. او معتقد است جامعه قانون گذار و مردم، هنوز آمادگی پذیرش چنین اتفاقی را ندارند و به نظرش در مقطع فعلی این کار نشدنی است و به قول حضرت مولانا شرح این هجرا و این خون جگر / ای زمان بگذار تا وقت دگر. او که آرزوی برآورده بسیاری در موسیقی است، بزرگ‌ترین آرزوی خود را این گونه به زبان می‌آورد: «روزی که مشکلات اجتماعی مردم حل شود و مردم روان‌تر و راحت‌تر و با احترام متقابل زندگی کنند. به هر حال ما مانند سرداری هستیم که در خط مقدم حرکت می‌کنیم. امکان دارد آدم چند بار شکست بخورد ولی باز به سمت آن خطر و هدف می‌رود. به هر حال چه خوب، چه بد و چه کم یا زیاد حاصل عشق من، تقریبا حدود ۵۰ اثری است که من از چهل و چند سال پیش کار می‌کنم. به هر حال ما تنهایی ساختیم و تقدیم جامعه خود کردیم. همه این آثار را در منزل خودم و بدون حمایت هیچ مرکز فرهنگی یا صداوسیما، با عشق و بودجه شخصی خودم و به کمک برخی دوستان به وجود آوردم.»

به قول فرخی یزدی:
دامن محبت را گرز
خون کنی رنگین،
آن وقت می‌توان
گفت تو هنرمندی
و این واژه برزانده
توست.
به هر حال فقط یک صدای خوب و دانستن تکنیک ردیف موسیقی برای هنرمند کافی نیست و هزار نکته باریک‌تر از مو این جاست که باید آن‌ها را رعایت کرد و خون جگر خور تا هنرمند شد

۱۱

گزارش جلسه

((در مسیر یاد پر سه می‌زنم)) در بونه نقد

محمد بهبودی نیا- جلسه نقد کتاب شعر «در مسیر یاد پر سه می‌زنم» در مشهد بر گزار شد. به گزارش خراسان، هفتاد و ششمین جلسه نقد و پژوهش شعر با نقد کتاب «در مسیر یاد پر سه می‌زنم» اثر «محبوبه بزم‌آرا» روز دوشنبه هفته جاری در حوزه هنری خراسان رضوی برگزار شد. در این مراسم منتقدانی از جمله زهرا محدثی خراسانی، ابوطالب مظفری، سید مصطفی حسینی راد، عباس ساعی و محمد کاظم کاظمی حضور داشتند. زهرا محدثی به عنوان اولین منتقد گفت: اغلب آثار موجود در این کتاب عاشقانه است و این عشق می‌تواند متعالی تر شود و به شعر عارفانه برسد. از این شاعر، بعضی تصویرسازی‌های جالب دیدم اما تکرار یک کلمه در دو بیت متوالی از نص‌های کتاب بود.

ابوطالب مظفری نیز درباره این کتاب گفت: در مجموع، من شعرها را به دو دسته تقسیم می‌کنم. بعضی شاعران تجربی سر هستند و شاعران کمی هستند که به نحوی بر گزارش احوالات درونی‌شان متکی باشند. در مجموع در شعر امروز تجربه گرایی بیشتر از مفهوم گرایی است. شعرهای این کتاب بیشتر در حیطه شعر تجربی قرار دارد اما در حیطه تجربه‌های خاصی که شاعر از سر گذرانده است. سید مصطفی حسینی راد نیز به عنوان سومین منتقد حاضر در این مراسم درباره این کتاب گفت: بزم‌آرا غزل سرای خوبی است اما فکری می‌کنم که این مجموعه مربوط به یک بازه زمانی طولانی است. به همین دلیل یک مقدار اختلاف سطح دارد. عباس ساعی نیز در این مراسم گفت: بیشتر این غزل‌ها، غزل‌های عاشقانه است و این‌ها در مقایسه با غزل‌های امروزی که منتشر می‌شود، جایگاه و مرتبه‌ای دارد و قابل دفاع است. یکی دیگر از جلوه‌هایی که در این مجموعه به چشم می‌خورد، کاربرد بعضی واژه‌هایی است که یک دستانی زبان را به هم زده است.

موسیقی

آهنگ جدید محمد اصفهانی منتشر شد



محمد اصفهانی، خواننده پاپ بعد از مدت‌ها کم‌کاری در حوزه موسیقی، تک آهنگی به نام «بیش از هوا» را منتشر کرد. به گزارش ایلنا، آهنگ ساز و تنظیم کننده این قطعه پوپا شاهی است و سراب هاشمی ترانه آن را سروده است. خواننده آلبوم‌های «تنهاماندم»، «نون و دلک»، «ماه جریستان»، «برکت» و... چندی قبل هم از کارروی آلبوم تازه‌اش خبر داده و گفته بود که به زودی منتشر خواهد شد.

برگزاری کنسرت الکترو آکوستیک علیرضا قربانی



علیرضا قربانی پس از ۲۰ ماه در تهران روی صحنه می‌رود و طی روزهای ۱۷ تا ۱۹ اردیبهشت با مخاطبانش در تالار وحدت دیدار می‌کند. به گزارش مهر، این اولین اجرای پروژه «با من بخوان» است. پروژه‌ای که اسفند سال گذشته با انتشار قطعه «نیست شو» از آن رونمایی شد و در کنسرت پیش‌رو هم علیرضا قربانی با ارکستر الکترو آکوستیک روی صحنه می‌رود. آهنگ سازی و تنظیم قطعات الکترونیک را حسام ناصری با عهده دارد و همچنین چند قطعه از سامان صمیمی در این کنسرت اجرا خواهد شد. انتشار قطعه نیست شو با تنظیم الکترونیک، بازتاب‌های زیادی را برای علیرضا قربانی داشت و این خواننده درباره آن گفته بود: «صادقانه‌ترین دلیل، علاقه شخصی خودم بود. من از دوران نوجوانی علاقه زیادی به موسیقی الکترونیک و فضای آمبینت داشتم. همچنین همیشه برای انجام کارهای تجربی که از فرم‌های رایج موسیقی فراتر بود و دست انداختن به نقای که کمتر دست انداخته شده است، اشتیاق داشتم.»